

راهبردهای سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکتی در کمک به توسعه جامعه محلی

ایلیا گولاکوف، فرانک ونکلی و جاس آرتس

هلند، دانشگاه گرونینگن، دانشکده علوم فضایی - مکانی، مؤسسه مطالعات شهری و منطقه‌ای

ترجمه

شهربانو ناصر

کارشناس ارشد امور فرهنگی؛ Homaa22@yahoo.com

چکیده

ارزیابی تأثیرات اجتماعی^(۱) به عنوان یکی از روش‌های خوب باید منجر به بهبود نتایج توسعه جامعه محلی شود. با این حال مزایای اجتماعی‌ای که ادعا می‌شود از پروژه‌ها نشأت می‌گیرد، اغلب به اندازه اثرات نامطلوب پروژه برای جوامع تحت تأثیر، مشهود نیست. توجه به موضوعات اجتماعی در پروژه‌ها هنوز ناکافی است. در نتیجه آنها اغلب در دستیابی به نتایج توسعه اجتماعی ناکام می‌مانند. در اینجا با استفاده از یکی از پروژه‌های مهم گازی در روسیه، پروژه نورد استریم ۲، پتانسیل ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و اجتماعی (ESIA)^(۲) را برای افزایش اثربخشی سهم پروژه در توسعه جامعه محلی بررسی می‌کنیم. همچنین مراحل اصلی فرآیند توسعه جامعه برای پروژه نورد استریم ۲ را تجزیه و تحلیل کرده، چگونگی بهره‌مندی آن از فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی را بررسی می‌کنیم و تأملی بر سهم بالقوه بیشتر ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) در توسعه جامعه محلی خواهیم داشت. در پایان اینگونه نتیجه می‌گیریم که: هر چند اتا و توسعه جامعه محلی دارای ارتباط متقابل هستند، آنگونه که در حال حاضر اتا اجرایی می‌شود، توانایی محدودی در کمک به نتایج توسعه جامعه محلی دارد. بنابراین برای تأثیرگذاری بیشتر آنها در نتایج توسعه اجتماعی، اصلاح چارچوب‌های اتا و سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکتی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی، توافق توسعه جامعه، سرمایه‌گذاری اجتماعی راهبردی، مشارکت جوامع، صنایع استخراجی و جامعه و استانداردهای عملکرد شرکت مالی بین‌المللی.

مقدمه

اتاد در حوزه تحقیق و عمل، اقدامی جاافتاده است که اساساً شامل فرآیند ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه‌های توسعه است (Esteves et al, 2012, 2017; Vanclay et al, 2015). گفتمان بین‌المللی اتا، حامی این ایده است که پروژه‌ها و اتاهای انجام‌شده برای آنها باید در توسعه جوامع تحت تأثیر محلی و افزایش فرصت‌های توسعه ناشی از پروژه‌ها کمک‌کننده باشد (Vanclay, 2003; Vanclay & Hanna, 2019; Esteves & Vanclay, 2009; Vanclay et al, 2015). اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی (Vanclay, 2003: 6) بیان می‌کند که «کمک به جوامع و سایر ذی‌نفعان، در شناسایی اهداف توسعه و اطمینان از به حداکثر رساندن نتایج مثبت آن می‌تواند مهمتر از به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از تأثیرات منفی باشد». با این حال این امکان وجود دارد که جوامع محلی همیشه مزایایی که انتظار آن را دارند، به دست نیاورند. گفته می‌شود که افراد تحت تأثیر پروژه، در واقعیت حتی دو مزیت عمده را برای پروژه‌های جدید شغل و مالیات تجربه نمی‌کنند (Ejdemo & Söderholm, 2015; Söderholm & Svahn, 2015).

جوامع محلی اغلب قادر به تأمین نیروی کار ماهر و یا حتی نیمه‌ماهر مورد نیاز برای یک پروژه (به‌ویژه در مناطق روستایی) (Rowan & Streather, 2011) نیستند. تأمین اشتغال محلی می‌تواند از این نظر پیچیده باشد که حامی پروژه اغلب کنترل محدودی بر شیوه‌های استخدام پیمانکاران دارد (Esteves et al, 2016). در برخی از کشورها از جمله روسیه، ممکن است محدودیت‌های قانونی‌ای وجود داشته باشد که منعی برای ترجیح استخدامی بر اساس محل اقامت ایجاد می‌کند (فدراسیون روسیه ۲۰۰۱، ماده ۳). فرصت‌های شغلی محدود برای مردم محلی به این معنی است که احتمالاً نارضایتی جامعه از این پروژه وجود خواهد داشت (Esteves & Barclay, 2011; Hanna et al, 2016a; Vanclay & Hanna, 2019).

مالیات‌ها و سایر عایدات لزوماً فراهم‌کننده مزایای اجتماعی نیستند؛ به‌ویژه اگر در سطح محلی در نظر گرفته شوند (van der Voort & Vanclay, 2015). واقعیت تأسفبار این است که اغلب فقط سهم محدودی از عایدات پروژه به منطقه محلی بازگردانده می‌شود و ممکن است حکومت‌ها و اداره‌کننده‌های محلی از جوه حاصله به طور مؤثر استفاده نکنند و یا کل یک پروژه، مزایای ملموسی برای افراد تحت تأثیر آن پروژه در بر نداشته باشد (Ogwang et al. 2018, 2019).

به طور معمول از یک حامی پروژه به عنوان بخشی از راهبرد مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR)^(۳)، انتظار می‌رود علاوه بر ایجاد شغل و درآمد مالیاتی که عموماً از طریق یک برنامه سرمایه‌گذاری اجتماعی (Esteves & Vanclay, 2009;)

با این حال مشخص نیست که آیا اقدامات مرتبط با سرمایه‌گذاری اجتماعی انجام می‌شود یا خیر و حتی اگر انجام می‌شود، آیا مؤثر خواهد بود و یا اینکه بر نیازهای جوامع محلی متمرکز است؟ (IFC, 2010).

مردم محلی همیشه تأثیرات نامطلوب پروژه را احساس می‌کنند، حتی وقتی که تلاش برای کاهش آنها وجود دارد (Hanna et al, 2016b). تجربه نشان می‌دهد احتمال اینکه جوامع آسیب‌دیده از پروژه‌ها سود ببرند، کم است (Cernea, 1997; Smyth & Vanclay, 2017). بنابراین درست این است که نقش بالقوه کمک به توسعه جامعه (در جوامع تحت تأثیر پروژه) و راهبردهای سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت‌ها بررسی شود (João et al, 2011; Aucamp & Lombard, 2018; Vanclay & Hanna, 2019).

در این مقاله، ما شباهت‌ها و تفاوت‌های میان فرآیندهای پروژه‌محور ارزیابی تأثیرات اجتماعی و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری اجتماعی / توسعه جامعه محلی را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. در ضمن این نکته را نیز مورد ملاحظه قرار می‌دهیم که چگونه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی برای افزایش نتایج توسعه‌ای پروژه‌ها همسو می‌شود. بررسی می‌کنیم که چگونه سرمایه‌گذاری اجتماعی در پروژه نورد استریم ۲، به عنوان یکی از پروژه‌های برجسته خط لوله گاز در اروپا مورد توجه قرار گرفته است و تمرکزمان به طور ویژه بر منطقه فرود و ورود خط لوله در روسیه خواهد بود.

همچنین فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه را تشریح کرده، چگونگی تعامل آن با برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری اجتماعی و فعالیت‌های توسعه اجتماعی مورد نظر را بررسی می‌کنیم. در عین حال درباره پتانسیل‌ها و محدودیت‌های اتا برای مشارکت در سرمایه‌گذاری اجتماعی به نتیجه می‌رسیم و بر چگونگی اجرای بهتر اتا و سرمایه‌گذاری اجتماعی در پروژه‌ها برای تسهیل نتایج توسعه‌ای بهتر، تعمق بیشتری خواهیم داشت.

درک کنونی از ارزیابی تأثیرات اجتماعی

ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ابتدا در کنار ارزیابی تأثیرات محیطی (EIA)^(۴) به عنوان یک ابزار نظارتی شکل گرفت، اما اکنون به خوبی توسعه یافته و به عنوان یک گفتمان و فرآیند جداگانه و در عین حال مرتبط مطرح است که در پروژه‌ها به مدیریت مسائل اجتماعی کمک می‌کند (Estepes et al, 2012; Vanclay et al, 2015). اتا اساساً ریشه در جامعه مدنی و دموکراسی دارد (Vanclay, 2003; Gulakov & Vanclay, 2018). اصول بین‌المللی (Vanclay, 2003) و دستورالعمل‌های

تأییدشده‌ای از سوی انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر (Vanclay et al, 2015) وجود دارد که حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی را مدون کرده است. ارزیابی تأثیرات اجتماعی، یک الزام برای شرکت مالی بین‌المللی (IFC)^(۵) و اصول استوایی^(۶) است و به استاندارد فعالیت صنعتی تبدیل شده است (IFC, 2012؛ Hanna, 2019).
 گفتمان ارزیابی تأثیرات اجتماعی متضمن مباحث و مسائل بسیاری است، از جمله: مجوز اجتماعی برای اجرایی کردن (Dare et al, 2014؛ Jijelava & Vanclay, 2017, 2018)؛ عملکرد اجتماعی (Smyth & Vanclay, 2017)؛ مشارکت عمومی و مشارکت اجتماعی (O'Faircheallaigh, 2010; Hartz- Karp & Pope, 2011; Gluck- Kemp) مسائل مربوط به حقوق بشر (er et al, 2013; Gulakov & Vanclay, 2019 & Vanclay, 2013; Götzmann et al, 2016; Esteves et al. 2017; van der Ploeg & Vanclay, 2017a)؛ نقل مکان و اسکان مجدد ناشی از پروژه (clay, 2017, 2018)؛ ترمیم و بهبود معیشت (Smyth & Vanclay, 2018)؛ میراث فرهنگی (Patiwael et al, 2019, 2020)؛ سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکتی (Es- teves, 2008; Esteves & Vanclay, 2009) و بهره‌مندی از مزایا (Vanclay, 2017b). تجربیات خوبی در عصر حاضر وجود دارد که نشان می‌دهد اتا و در کل، پروژه‌ها باید به توسعه اجتماعی و توانمندسازی جامعه کمک کنند (Esteves et al, 2012; Van- clay et al, 2015).

سه راه اصلی برای دستیابی به این هدف وجود دارد: مشارکت افراد و جوامع تأثیرپذیر در تصمیم‌گیری؛ کاهش تأثیرات منفی و افزایش مزایا و تأثیرات مثبت (João et al, 2011; Vanclay & Hanna, 2019). موضوع اصلی این مقاله همین سومین جنبه است.

ایجاد ظرفیت و توانمندسازی جامعه تنها با مشارکت جوامع در تصمیم‌گیری‌ای که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد و صدا بخشیدن به افراد در حاشیه و آسیب‌پذیر تحقق می‌یابد (Vanclay 2003; HartzKarp & Pope 2011). از این منظر، ارزیابی تأثیرات اجتماعی می‌تواند به افراد جامعه در توسعه ظرفیت‌های خود به عنوان شهروند کمک کند (O'Faircheallaigh, 2010)؛ ظرفیت‌های خود را ابزاری برای تغییر توازن در قدرت سیاسی در جوامع می‌دانند (O'Faircheallaigh, 2010). در کنار کاهش اثرات نامطلوب، ارزیابی تأثیرات اجتماعی نباید فقط به دنبال ترمیم معیشت‌های آسیب‌دیده باشد، بلکه باید بهبود آنها را نیز در نظر داشته باشد (IFC, 2012; Vanclay, 2017a). در پروژه‌ها، این به طور معمول با توسعه راهبردهای سرمایه‌گذاری اجتماعی انجام می‌شود که در آن

اقدام توسعه‌ای برای جامعه محلی مورد مذاکره قرار می‌گیرد. این به‌ویژه در بخش استخراج صادق است؛ جایی که لزوم وجود طرح اشتراک منافع پروژه به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است (Esteves & Vanclay, 2009; ICMM, 2012; Owen, 2014; IPIECA, 2017; Martinez & Franks, 2014; Dupuy, 2014; Kemp, 2012). ارتقای توسعه جامعه با تحقق کامل پتانسیل‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای مشارکت در دستیابی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، همراه است (Vanclay, 2017; Smyth & Vanclay, 2015; et al). همان‌طور که در اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی آمده است، «تمرکز اصلی در تمامی توسعه‌ها باید بر نتایج مثبتی از قبیل: افزایش ظرفیت، توانمندسازی و تحقق پتانسیل‌های انسانی و اجتماعی باشد» (Vanclay, 2003: 9).

البته در عمل، حامیان پروژه همیشه به طور کامل این جنبه مفهومی از آن را درباره توسعه اجتماعی به اشتراک نمی‌گذارند و به آن پایبند نیستند و آن را تنها برای برآوردن حداقل انتظارات نظارتی ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجام می‌دهند (Gulakov & Vanclay, 2018). به مرور و با افزایش انتظارات برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در قالب الزامات رسمی و در عین حال بهبود درک و تفاهم عملی معمول در جامعه، اقدام برای ارزیابی تأثیر اجتماعی تعدیل خواهد شد. نیاز به پروژه‌هایی برای برآوردن انتظارات مؤسسات مالی درگیر، حامیان را نه تنها برای انتظارات ارزیابی تأثیرات اجتماعی شکیباتر می‌سازد، بلکه موجب مثبت‌تر شدن نظر آنها نسبت به آن می‌شود (Vanclay & Hanna, 2019). در این مقاله به دنبال بررسی و بیان وجوه بالقوه ارزیابی تأثیرات اجتماعی هستیم و این به معنی آن است که ما از سنت‌های اجرایی معمول فراتر می‌رویم. با توجه به اینکه ما تصور می‌کنیم با گذشت زمان بهبودی حاصل می‌شود، در این مقاله می‌خواهیم فرض را بر این بگذاریم که طرفداران پروژه به انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی با کیفیت خوب علاقه‌مند بوده، به توانمندسازی جامعه محلی متعهد هستند.

توسعه جامعه محلی به عنوان بخشی از سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکتی

حوزه توسعه جامعه محلی جلوتر از ارزیابی تأثیرات اجتماعی است و به عنوان یک اقدام و گفتمان متمایز (Cavaye & Ross, 2019; Phillips & Pittman, 2009) و جدا از ارزیابی تأثیر اجتماعی (Smyth & Vanclay, 2017) تکامل یافته است؛ هر چند در حال حاضر نمونه‌هایی از ادغام و پیوند این دو مطرح می‌شود (Imperiale & Vanclay, 2016a). معاهده جهانی سازمان ملل متحد، سرمایه‌گذاری اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: «انجام مشارکت‌های داوطلبانه مالی و غیر مالی که به طور قابل

ملاحظه‌ای به جوامع محلی، همچنین جوامع در سطح گسترده‌تر کمک می‌کند تا به اولویت‌های توسعه‌ای خود بپردازند» (UNGC, 2010: 1). برخی از اصول کلیدی این است که سرمایه‌گذاری اجتماعی مسئولانه باید هدفمند، پاسخگو، احترام‌آمیز و اخلاقی باشد (UNGC, 2010). IFC، سرمایه‌گذاری اجتماعی راهبردی را اینگونه تعریف می‌کند: «اقدامات داوطلبانه شرکت‌ها برای کمک به جوامع در حوزه‌های عملیاتی خودشان و پرداختن به اولویت‌های توسعه‌ای آنها و استفاده از فرصت‌های ایجادشده توسط سرمایه‌گذاری خصوصی به روش‌هایی که پایدار و حمایت‌کننده اهداف تجاری باشند» (IFC, 2010: i). IFC بر این نکته اشاره دارد که سرمایه‌گذاری اجتماعی باید راهبردی، همسو، چندجانبه، پایدار و قابل اندازه‌گیری باشد. در حالت ایده‌آل، هنگامی که این تلاش‌ها، سرمایه‌گذاری راهبردی اجتماعی نامیده می‌شود، باید با نیازهای جامعه محلی تطبیق داده شود و در عین حال مطابق با اقدامات یا راهبردی تجاری شرکت باشد (Fossgard- Moser, 2005؛ IFC, 2010).

دلایل مختلفی وجود دارد که چرا شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری اجتماعی مشارکت می‌کنند؛ از جمله: بهبود شهرت شرکت (Hedin & Ranängen, 2017)؛ حفظ روابط خوب با جوامع مجاور، یعنی اخذ مجوز اجتماعی برای فعالیت (Jijelava & Vanclay, 2017, 2018) و اداره تجارت به شیوه‌ای پایدار از نظر محیط‌زیستی و اجتماعی (IFC, 2010). بسیاری از شرکت‌ها، به‌ویژه آنهایی که در معرض خطر و به وجود آمدن مشکلات با جوامع میزبان قرار می‌گیرند، با انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی به دنبال رفع تنش هستند (Esteves et al, 2017; Pasaribu et al, 2020). گاهی این ضرورت ایجاد می‌شود که وام‌دهندگان پروژه، سرمایه‌گذاری اجتماعی را انجام دهند (Vanclay & Hanna, 2019).

فعالیت‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی از نظر محتوا و نحوه اجرا متفاوت هستند (IFC, 2010). فعالیت شرکت‌ها می‌تواند پیش‌کنشی یا واکنشی باشد. آنها ممکن است در آموزش، افزایش ظرفیت، توسعه روستایی، توسعه فرهنگی و غیره سرمایه‌گذاری کنند (IFC, 2010). برخی از شرکت‌ها، فعالیت‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری اجتماعی‌شان را خودشان انجام می‌دهند، در حالی که برخی دیگر این کار را به سازمان‌های بیرونی و اغلب سازمان‌های غیر دولتی واگذار می‌کنند. نحوه انجام سرمایه‌گذاری اجتماعی توسط یک شرکت به زمینه اجتماعی، نقاط قوت و نیازهای جامعه، ماهیت فعالیت‌های شرکت و توانایی‌اش برای همکاری با ذی‌نفعان پروژه بستگی دارد (Esteves, 2009 & Vanclay).

در کاربرد معانی «سرمایه‌گذاری اجتماعی»، «سرمایه‌گذاری جامعه محلی» و «توسعه جامعه»، ابهاماتی وجود دارد. به عنوان مثال IFC در سال ۲۰۰۰ برای

انواع فعالیت‌های تقریباً مشابه، «توسعه جامعه» را به کار برد؛ اما در سال ۲۰۱۲ از عبارت «سرمایه‌گذاری اجتماعی» استفاده کرد. ICMM (۲۰۱۲) با استناد به دستورالعمل‌های IFC، از «توسعه جامعه» در کتاب راهنمای خود استفاده کرد. ما «سرمایه‌گذاری اجتماعی» و «سرمایه‌گذاری جامعه‌ای» را مترادف می‌دانیم. برخی از محققان، ظهور «توسعه جامعه» را با کار در زمینه کاهش فقر و توسعه مسکن در روستاهای آمریکا در دهه ۱۹۵۰ مرتبط می‌دانند (Phillips & Pittman, 2009). امروزه گفتمان «توسعه جامعه» گسترده‌تر است و به بهبود همه جنبه‌های چندگانه رفاه جامعه مربوط می‌شود. توسعه جامعه محلی درباره افرادی است که برای شناسایی و بیان نیازهای خود، حل مشکلات مشترک و تأثیرگذاری بر تصمیم‌هایی که بر زندگی آنها مؤثر هستند، گرد هم می‌آیند. یک اقدام جمعی، ذاتاً بر ایجاد سرمایه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی دلالت دارد (Frank & Smith, 1999; Phillips & Pittman, 2009; Robinson & Green, 2011). بسیاری از کنشگران و آنهایی که نقشی در اجتماع دارند، از جمله دولت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، مجریان و پیمان‌کاران و نیز انجمن‌های حرفه‌ای، همگی در توسعه جامعه محلی سهیم هستند. در این مقاله، به طرح این موضوع خواهیم پرداخت که در اقدامات سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکتی پروژه‌های بزرگ، می‌بایست توجه بیشتری به توسعه جامعه محلی شود.

چارچوبی برای کمک به توسعه برنامه‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکتی

سه چارچوب وجود دارد که به طور خاص در درک پویایی یک جامعه مفید است و می‌تواند در جهت شکل‌گیری یک راهبرد برای توسعه جامعه محلی استفاده شود: رویکرد معیشت پایدار، توسعه جامعه محلی مبتنی بر دارایی و چارچوب اجتماعی برای پروژه‌ها.

رویکرد معیشت پایدار (SLA) که در سال ۱۹۹۰ به وجود آمد و بر مفهوم توسعه پایدار استوار بود (Scoones, 1998, 2009; Carney, 2002)، یک ابزار عملیاتی برای کمک به همکاری توسعه‌ای، به‌ویژه کاهش فقر بود و برای مدتی دپارتمان بریتانیایی توسعه بین‌المللی از آن حمایت کرد (Smyth, Vanclay & 2017). [این رویکرد] استدلال می‌کند که درک مفهوم فقر می‌بایست گسترده‌تر شود و معیشت و سلامت را مهمتر از «سطح درآمد» یا «استاندارد زندگی» مورد توجه قرار می‌دهد. آگاهی بیشتر از دارایی‌های متنوع در یک جامعه منجر به تفکر درباره «سرمایه» با ابعاد چندگانه، از جمله ابعاد اجتماعی، طبیعی، مالی، فیزیکی و انسانی شد (Gutierrez-Montes et al, 2009). تجزیه و تحلیل اینکه چگونه مردم استراتژی‌های معیشتی خود را با استفاده از این دارایی‌ها در

زمینه‌های سیاسی، نهادی و محیط‌زیستی مدیریت می‌کنند، قلب رویکرد معیشت پایدار^(۷) است. با وجود انتقادهای متعدد، رویکرد معیشت پایدار در ایجاد دگرگونی در فعالیتهای توسعه‌ای و دگرگونی از اقدامات و راه‌حل‌های مبتنی بر نیاز و منبع‌محور به یک تمرکز ویژه بر مردم و توانایی آنها برای آغاز و تداوم تغییرات مثبت، نقش بسیار مهمی داشت (Brocklesby & Fisher, 2003). توسعه جامعه محلی مبتنی بر دارایی (ABCD)^(۸) بیشتر به دنبال ایجاد ظرفیتهای جامعه محلی است تا تمرکز بر مشکلات آن (McKnight & Kretzmann, 1993a, 1993b, 2005; Mathie & Cunningham, 2003; McKnight, 2013; INRC, 2016). ABCD دارایی‌های مختلف در یک جامعه، از جمله آنهایی را که مربوط به اشخاص، انجمن‌ها و مؤسسات می‌شوند، به دقت شرح می‌دهد (McKnight, 2013; INRC, 2016). دارایی‌های مختلف با یکدیگر پیوند متقابل دارند و هرچه دارایی‌ها و ظرفیتهای مردم و جوامع بیشتر باشد، آسیب‌پذیری آنها کمتر است. بنابراین ایجاد ارتباط بین اعضای جامعه و نیز ایجاد سرمایه اجتماعی، یک ضرورت است (Kretzmann & McKnight, 1993a, 1993b, 2005; Mathie & Cunningham, 2003; McKnight, 2013; INRC, 2016). از رویکرد ABCD به دلیل مشخص نبودن، دشواری اجرای آن در عمل و ذهنی بودن تعریفش از دارایی‌های جامعه، انتقاد شد (Smyth & Vanclay, 2017).

برای رفع نواقص در رویکردهای SLA و ABCD، والانس و اسمیت، چارچوب اجتماعی پروژه‌ها را پیشنهاد کردند (Vanclay & Smyth, 2017) که شامل هشت موضوع کلیدی اجتماعی است که به رفاه مردم کمک می‌کند:

- ظرفیتهای، توانایی‌ها و آزادی‌های افراد برای رسیدن به اهداف خود

- حمایت‌های جامعه‌ای/اجتماعی و زمینه سیاسی

- فرهنگ و دین

- دارایی‌ها و فعالیتهای معیشتی

- زیرساخت‌ها و خدمات

- ساختارهای مسکن و مشاغل

- محیط زندگی

- زمین و منابع طبیعی

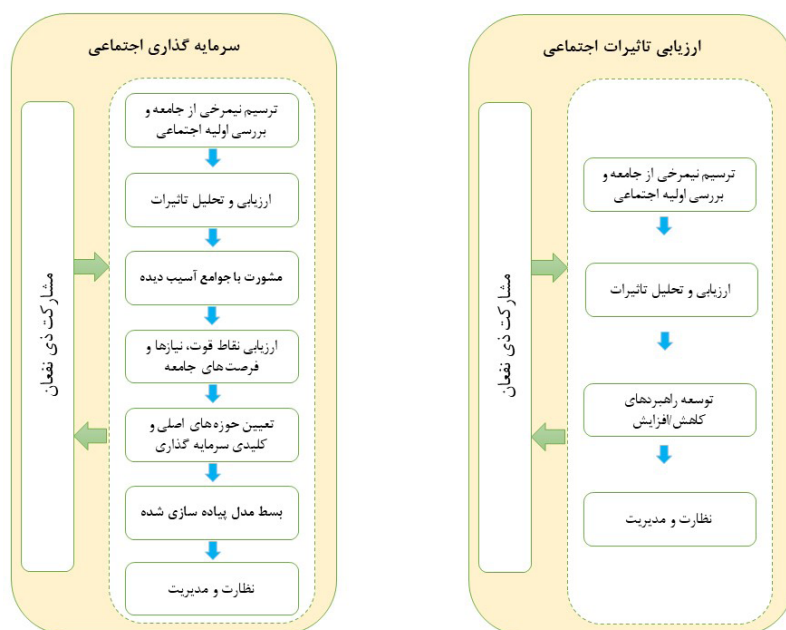
منظور از چارچوب اجتماعی پروژه‌ها این است که تمام موضوعات کلیدی مربوط به توسعه جامعه محلی و اتاد در پروژه‌ها در نظر گرفته شود. قرار بوده است که استفاده از این چارچوب برای متخصصان و مردم عامی آسان باشد. مزیت این چارچوب این است که به راحتی در زمینه اتا اعمال می‌شود، زیرا از زبانی مشابه آن استفاده می‌کند.

مقایسه اتا و شیوه توسعه جامعه محلی

همان‌طور که در بالا بحث شد، سرمایه‌گذاری اجتماعی و اتا، مفاهیمی متقابل هستند. آنها در ارزش‌های اساسی مشترک هستند و درباره ایجاد ظرفیت و توانمندسازی جامعه، موضع مشترکی دارند. برای تجزیه و تحلیل روابط متقابل بین آنها و کشف پتانسیل ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای مشارکت در سرمایه‌گذاری اجتماعی، در شکل ۱ فرایندهای مربوط به آنها را با استفاده از نظرهای ونکلی و همکارانش (۲۰۱۵) درباره فرآیند SIA (ارزیابی تأثیرات اجتماعی) و IFC (شرکت مالی بین‌المللی) درباره فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی ترسیم می‌کنیم.

اتا و فرآیندهای سرمایه‌گذاری اجتماعی هر دو با ترسیم نیم‌رخ از جامعه و یک بررسی اولیه اجتماعی آغاز می‌شود. این کار برای درک منطقه‌ای که پروژه در آن اجرا می‌شود، تعیین منطقه نفوذ پروژه و در نظر گرفتن دامنه فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی انجام می‌شود. سپس فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی با شناسایی و شرح تأثیرات احتمالی پروژه دنبال می‌شود. از آنجا که اتا ذاتاً مشارکتی است (Vanclay, 2003; Vanclay et al, 2015)، نیازمند تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان و مشارکت جامعه است (IFC, 2012; EBRD, 2014). هنگامی که تأثیرات بالقوه پروژه و اقدامات افزایشی و کاهش‌ی آن مشخص شد و با افراد جامعه مورد نظر و سایر ذی‌نفعان به بحث گذاشته شد و به اجرا درآمد، فرآیندهای نظارت و گزارش نیز باید برایش ایجاد شود.

پس از ترسیم نیم‌رخ جامعه و طی مراحل پیمایش‌های اولیه اجتماعی، فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی نیازمند تجزیه و تحلیل برنامه‌های توسعه دولتی مربوطه است تا ضمن زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت‌ها، آنها را موثرتر سازد. بدیهی است که بسیاری از اسناد، مشابه اسنادی هستند که به عنوان بخشی از پیمایش اولیه اجتماعی گردآوری و تجزیه و تحلیل شده‌اند. با این حال تجزیه و تحلیل برنامه‌های توسعه‌ای، بخش متمایزی از فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی است که ارزش جداگانه‌ای دارد. پس از آن، مشورت با جوامع تحت‌تأثیر و/یا نیازسنجی جامعه محلی باید انجام شود. سرمایه‌گذاری اجتماعی یک فرایند مشارکتی است که مستلزم مشارکت ذی‌نفعان است؛ زیرا این جوامع هستند که از نقاط قوت خود، زمینه‌های بهبود و به‌طور بالقوه اقدامات خاصی که باید اجرا شوند، آگاه هستند، نه اشخاص ثالث (Vanclay & Imperiale, 2016b). به دنبال آن، فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی با تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای جامعه و همچنین شرح گزینه‌های بالقوه برای سرمایه‌گذاری اجتماعی ادامه می‌یابد. پس از آن باید مناطق قابل تمرکز برای سرمایه‌گذاری تعیین شود و برنامه اجرایی خاصی نیز باید تدوین گردد.



شکل ۱- فرآیندهای ارزیابی تأثیرات و سرمایه‌گذاری اجتماعی
منبع: اقتباس نویسندگان از ونکلی و دیگران (۲۰۱۵) و IFC (۲۰۱۰)

روش‌شناسی

به منظور طرح و بررسی پتانسیل ارزیابی تأثیرات اجتماعی در جهت کمک به توسعه جامعه محلی، از پروژه نورد استریم ۲ به عنوان مثالی گویا استفاده کردیم. پروژه نورد استریم ۲، تکرار پروژه خط لوله انتقال گاز از روسیه به آلمان است که در زمان نگارش این مقاله، پروژه‌ای برجسته با هدف افزایش ارائه گاز طبیعی روسیه به اروپا بود. با توجه به هدف این مقاله، ما بر فعالیت‌های اتا و سرمایه‌گذاری اجتماعی مرتبط با بخش املاک و اراضی پروژه در شمال غربی روسیه تمرکز می‌کنیم. ما مستندات ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه و اسناد سرمایه‌گذاری اولیه جامعه را تجزیه و تحلیل کردیم. در ادامه، مراحل اصلی فرایند سرمایه‌گذاری در شرکت را طبق اسناد مربوطه تجزیه و تحلیل می‌کنیم و به بررسی نحوه انجام آنها و/یا بهره‌مندی بیشتر آنها از فرآیند اتا خواهیم پرداخت.

سند اتا در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷ با استفاده از اطلاعات گردآوری شده از تعدادی از منابع، از جمله از بخش‌های مربوط به سرویس آمار روسیه، ادارات محلی و منطقه‌ای، مؤسسات آموزشی و بهداشتی، مشاغل محلی، سازمان‌های مرتبط با شکار، جنگل‌داری و شیلات و غیره تدوین شد. جلسات دیدار با ذی‌نفعان محلی برای جمع‌آوری داده‌های اولیه و حصول اطمینان از صحت هر داده ثانویه قابل استفاده برگزار شد. برای آماده‌سازی پیش‌نویس اتا، اعضای

تیم ارزیابی تأثیرات اجتماعی از جمله نویسنده اصلی این مقاله، سه بازدید از محل پروژه انجام دادند.

چارچوب سرمایه‌گذاری جامعه، گام اولیه در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت بود که مبتنی بر اطلاعات و مطالب جمع‌آوری شده طی مراحل آماده‌سازی اتا بود. به عنوان بخشی از اجرا در چارچوب سرمایه‌گذاری جامعه، هیچ گردآوری داده یا مشورت دیگری با جوامع تحت تأثیر انجام نشد. با این حال انتظار می‌رفت که در آینده، این کار انجام شود. توجه داشته باشیم که نویسنده اصلی این مقاله که یک تبعه روسیه بود و برای مشاوران روسی شرکت «محیط‌زیست برانان»^۱ کار می‌کرد، با همکاری شرکت مشاوره ERM مستقر در انگلستان، اتا را برای پروژه نورد استریم ۲ در روسیه انجام داد. شرکت محیط‌زیست برانان، چارچوب سرمایه‌گذاری اجتماعی را برای این پروژه و با همکاری «گروه بینش جامعه» تنظیم کرد. این مقاله نیز بخشی از یک تعمق و واکاوی حرفه‌ای شخصی است.

پروژه نورد استریم ۲

پروژه نورد استریم ۲، یک سیستم خط لوله در سراسر دریای بالتیک است که گاز طبیعی را از روسیه به بازار گاز اتحادیه اروپا می‌رساند. در واقع نورد استریم ۲، یک نسخه تکراری از پروژه اولیه است که در سال ۲۰۱۱ به پایان رسید. هر دو نورد استریم ۱ و ۲، خط لوله دوقلو زیر دریا هستند که تکمیل نورد استریم ۲، ظرفیت را از ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز در سال به ۱۱۰ میلیارد مترمکعب نورد استریم ۲ افزایش خواهد داد (2017a). خط لوله نورد استریم ۲ با طول بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر از سواحل روسیه و از طریق دریای بالتیک حرکت می‌کند و در نزدیکی گرایفسوالد^۲ در آلمان به زمین (خشکی) می‌رسد. مسیر این خط لوله از آب‌های سرزمینی روسیه، فنلاند، سوئد، دانمارک و آلمان (2019a) عبور می‌کند. در اوایل سال ۲۰۲۰، انتظار می‌رفت که ساخت و ساز تا پایان سال ۲۰۲۰ به پایان برسد و عمر مفید آن حداقل پنجاه سال باشد.

نورد استریم ۲ به سیستم‌های خط لوله موجود در روسیه و آلمان متصل می‌شود. پروژه‌ای که برای این مقاله در نظر گرفته شده، بخشی از پروژه بزرگ‌تر است و فقط شامل بخش روسی پروژه نورد استریم ۲ است. بخش روسیه شامل یک بخش خشکی به طول تقریبی ۴ کیلومتر، یک قسمت دریایی تقریباً ۱۱۴ کیلومتری (از خط ساحلی تا مرز منطقه ویژه اقتصادی

فنلاند) و منطقه‌ای برای پیگرانی^۱ (محلی برای لوازم تمیزکاری خطوط و نگهداشت لوله) است.

بخش خشکی این پروژه در کنار خلیج فنلاند در منطقه‌ای از روسیه در نزدیکی مرز با استونی قرار دارد. منطقه اطراف آن روستایی است و شامل جنگل‌ها، زمین‌های کشاورزی و جوامع کوچک است. جمعیت به صورت فصلی و متغیر است، زیرا بیشتر مسکن‌های محلی برای استفاده آخر هفته یا تعطیلات در نظر گرفته شده‌اند. نزدیک‌ترین ساختمان مسکونی در جامعه‌ای نزدیک محل تأسیسات، کمتر از ۵۰۰ متر با تأسیسات خشکی پروژه فاصله دارد (2019c). بخشی از زمین مورد نیاز برای بخش خشکی در داخل نورد استریم ۲، منطقه حفاظت‌شده کارگالسکی است (Kurgalsky Nature Reserve Nord Stream 2, 2017b).

بحث درباره اتا و فرآیند توسعه جامعه محلی پروژه نورد استریم ۲

در این قسمت، توسعه چارچوب سرمایه‌گذاری اجتماعی برای بخش پروژه نورد استریم ۲ را بررسی می‌کنیم و رابطه آن را با فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی که قبلاً انجام شده است، لحاظ خواهیم کرد. این بررسی علاوه بر برخی جنبه‌های کلی، عناصر کلیدی فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی را در نظر می‌گیرد؛ یعنی ترسیم نیمرخ جامعه و پیمایش پایه‌ای اجتماعی، تجزیه و تحلیل برنامه‌های توسعه‌ای مسئولان امر، ارزیابی نقاط قوت، نیازها و فرصت‌های توسعه جامعه محلی و مشارکت ذی‌نفعان. هر چند این بخش بر پروژه نورد استریم ۲ به عنوان یک مثال گویا تمرکز دارد، در عین حال شامل بحث‌های کلی درباره ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی است.

ترسیم نیمرخ جامعه و پیمایش اجتماعی اولیه

توسعه جامعه محلی و همچنین ارزیابی تأثیر اجتماعی باید بر اساس دانش و داده‌های محلی باشد (IFC, 2010). در انجام فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی، نخستین مورد، ترسیم ویژگی‌های منطقه و تعیین دامنه فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی است. بنابراین اولین وظیفه، درک منطقه مورد نظر و شناسایی آن دسته از جوامعی است که در محدوده عملیاتی پروژه قرار دارند و یا حتی آنهایی که در این محدوده قرار ندارند.

فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی برای پروژه، همان‌گونه که در ارزیابی تأثیر اجتماعی نورد استریم ۲ (2017b) مشخص شده بود، بر منطقه مورد نفوذ پروژه متمرکز شده است. در مجموع هجده جامعه به عنوان جوامع

1- Pigging (Pipeline Inspection Gauge)

تأثیرپذیرنده از پروژه، شناسایی شدند. پنج اجتماع در نزدیکی محل پروژه قرار داشتند، از جمله سه منطقه که ممکن بود تحت تأثیر ساخت و ساز قرار گیرند. جامعه‌های دیگر که آسیب‌پذیری بالقوه برای آنها دیده شد، در امتداد دو مسیر دسترسی برای انتقال مصالح ساختمانی و تجهیزات از بندراوست لوگا قرار گرفته‌اند و شامل هفت روستا هستند که شهرک روستایی کوزم کینسکو و همچنین روستاهای و شهرک‌های روستایی اوزلوزکو و بلشلوتزکو از آن جمله هستند. بخش عمده جوامع تحت تأثیر پروژه، به استثنای دو مرکز اداری که ممکن است تحت تأثیر امور مربوط به حمل و نقل و عبور و مرور پروژه قرار گیرند، جامعه‌های کوچکی هستند، شامل Bol'shoe Kuzemkino با چیزی حدود ۱۰۰۰ ساکن و Ust'Luga با ۲۵۰۰ جمعیت ساکن.

در واقع ارزیابی تأثیر اجتماعی هر جامعه آسیب‌دیده، مسائل کلیدی آن، از جمله مسائل جمعیتی، اقتصاد و بازار کار، مالکیت زمین و کاربری زمین، زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی، گردشگری و تفریح، ترافیک و غیره را توصیف کرد. این اطلاعات با استفاده از منابع مختلف گردآوری شده است. ارزیابی تأثیر اجتماعی، گروه‌های آسیب‌پذیر را نیز شناسایی کرد. از سویی دیگر، مشخصات جامعه و پیمایش اقتصادی و اجتماعی، زمینه خوبی برای فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت فراهم کرد. این نظرسنجی با ارائه اطلاعات کافی، فرآیند بالقوه سرمایه‌گذاری اجتماعی را به پروژه و تأثیرات آن مرتبط کرد و بر جوامعی متمرکز شد که به طور بالقوه تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی که مبتنی بر ارزیابی تأثیر اجتماعی نباشد، احتمالاً فرآیندی ناکافی است. به عنوان مثال، برخی از جوامعی که تأثیرات منفی یک پروژه را تجربه می‌کنند، ممکن است عمداً یا سهواً از فهرست جوامعی که قرار است از مزایای پروژه برخوردار شوند، حذف گردند (Vanclay, 2017a). برعکس، پروژه «نورد استریم ۲»، نمونه خوبی از یک رویکرد مناسب برای ادغام اتا و سرمایه‌گذاری اجتماعی بود. به طور بالقوه، اگر فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی برای نورد استریم ۲ بر اساس اتا نبود، ممکن بود فقط بر مکان‌های اداری شهرک روستایی کوزمکینسکو که در آن امکانات پروژه نورد استریم ۲ واقع شده بود، متمرکز باشد. با این حال چندین جامعه در امتداد جاده‌های دسترسی به پروژه وجود دارد که به طور بالقوه تحت تأثیر عبور پروژه قرار خواهند گرفت، به ویژه در هنگام ساخت. از آنجا که اینها در فاصله قابل توجهی از محل پروژه قرار دارند، تأثیرات آنها بلافاصله مشهود نخواهد بود. بدون یک ارزیابی تأثیر اجتماعی، ممکن است این جوامع در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت گنجانده نشده باشند.

هر چند اتا قادر است اطلاعات نیمرخ جامعه را برای فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی فراهم آورد، مواردی وجود دارد که برای تجزیه و تحلیل اتا و در کل فرآیندهای سرمایه‌گذاری اجتماعی، شایان ذکر است. اتا و سرمایه‌گذاری اجتماعی، کانون‌های متفاوتی دارند. هدف اصلی ارزیابی تأثیر اجتماعی، شناسایی تأثیرات پروژه به منظور اجتناب از آنها و یا مدیریت آنهاست. بنابراین پژوهش و نظرسنجی اجتماعی اولیه به عنوان بخشی از اتا گرایش دارد فقط بر موضوعاتی تمرکز کند که به تأثیرات احتمالی مربوط می‌شود. برخی دیگر از اطلاعات نیز برای این در نظرسنجی اولیه گنجانده شده است تا یک نمای کلی از منطقه پروژه ارائه شود. با این حال حتی اگر اطلاعات دیگری جمع‌آوری شود، در مواد لازم برای ارزیابی تأثیر اجتماعی به طور کامل از آنها نام برده نشده است. به عنوان مثال در مواد ارزیابی تأثیر اجتماعی برای نورد استریم ۲، اطلاعات مربوط به دسترسی به خدمات عمومی در جوامع تحت تأثیر به طور مختصر توصیف شده است، زیرا این پروژه بر این مورد، تأثیر چندانی نمی‌گذارد، حتی اگر آن مورد بعد کلیدی رفاه جامعه باشد. برعکس، در مواد اصلی ارزیابی تأثیر اجتماعی، اطلاعات مفصلی درباره ترافیک آمده است، زیرا تأثیرات ترافیکی، نگرانی اصلی پروژه بود. در گردآوری داده‌ها به عنوان بخشی از فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی باید اطلاعات مربوط به همه جنبه‌های کلیدی رفاه جامعه گنجانده شود. بدیهی است که اتا باید اطلاعاتی را که به طور معمول گردآوری می‌شود، مورد تجدیدنظر قرار دهد تا بتواند پتانسیل خود برای مشارکت در سرمایه‌گذاری اجتماعی را محقق سازد. همین امر، این مسئله را مطرح می‌کند که چارچوب‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی نیاز به تعدیل دارد. هر چند ارزیابی تأثیر اجتماعی، مفهومی است که به خوبی جا افتاده، روش‌های اجرای آن اغلب غیر اختصاصی است. بر اساس اصول بین‌المللی برای ارزیابی تأثیر اجتماعی، «همه مسائلی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر مردم تأثیر می‌گذارند، مربوط به ارزیابی تأثیرات اجتماعی هستند» (Vanclay, 2003: 8).

با این حال نکات کلیدی خاصی وجود دارد که همیشه باید در نظر گرفته شوند، زیرا تقریباً با هر پروژه‌ای مرتبط هستند و یا از آن رو که می‌توانند ریسک قابل توجهی داشته باشند. به عنوان مثال در IFC، این الزام وجود دارد که همیشه به مسائلی مانند جنسیت، مسائل و مشکلات مربوط به کار، بهداشت و ایمنی جامعه، تملک زمین و اسکان مجدد، مردم بومی و میراث فرهنگی توجه شود (IFC, 2012). هر چند شیوه سرمایه‌گذاری اجتماعی نیاز به یک دیدگاه جامع نسبت به یک جامعه دارد، داشتن یک چارچوب مفید

همچون چارچوب اجتماعی پروژه‌ها (Smyth & Vanclay, 2017)، برای کمک به اجرای آن مفید است. استفاده از چارچوبی مانند این، تضمین می‌کند که همه جنبه‌های کلیدی رفاه جامعه مورد توجه قرار گرفته و موارد مهم از قلم نیفتد. علی‌رغم مفید بودن چارچوب‌ها، اولویت‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی باید بیشتر توسط خود مردم محلی تعیین شود، نه اینکه از سوی ایده‌های از پیش موجود تحمیل شود یا یک چارچوب تحلیلی از پیش تعیین شده اعمال گردد.

فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی مستلزم تقویت و تجزیه و تحلیل مؤثر است. دانستن این موضوع که گاهی اوقات جوامع می‌توانند گرفتار پروژه‌های دلخواه (شخصی) شوند، مهم است (Esteves, 2008; Vanclay & Esteves, 2009) و شاید لازم باشد موضوعات کلیدی شایان ذکر دیگری یادآوری شود. برای اطمینان از غافل نشدن از مسائل مهم، عاقلانه‌تر آن است که کار با طیف گسترده‌ای آغاز گردد، درباره هر پروژه مربوط به سرمایه‌گذاری اجتماعی احتمالی بحث شده، سپس برای ارزیابی دقیق، یک چک‌لیست (سیاهه واریسی) کوتاه تهیه شود. اسناد ارزیابی تأثیر اجتماعی برای پروژه نورد استریم ۲ مطابق با الزامات IFC تهیه شده است. با این حال چارچوب IFC در درجه اول بر تأثیرات تمرکز دارد و یک رویکرد جامع برای رفاه جامعه به عنوان بخش الزامی در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی ارائه نمی‌دهد. بنابراین هرچند نتایج ارائه شده ارزیابی تأثیر اجتماعی از پژوهش اجتماعی اولیه برای مرحله نخست سرمایه‌گذاری اجتماعی کافی بود، برای اطمینان از فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی، رویکرد دیگری اتخاذ شد.

تجزیه و تحلیل طرح‌های توسعه‌ای موجود

فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی تنها زمانی مؤثر است که با طرح‌های توسعه‌ای موجود برای منطقه مورد نظر پروژه، هماهنگ باشد. بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی سرمایه‌گذاری اجتماعی، تجزیه و تحلیل برنامه‌های توسعه‌ای ادارات محلی و آژانس‌های توسعه است. آگاهی از محتوای این برنامه‌ها می‌تواند زمینه همکاری بین یک شرکت و ذی‌نفعان پروژه را فراهم آورد. اهمیت همکاری از آن روست که اطمینان حاصل شود که شرکت تنها یک مشارکت‌کننده در فرایند توسعه است و از وابستگی جامعه به شرکت جلوگیری شود (IFC, 2010).

در پروژه نورد استریم ۲، اسناد مختلف برنامه‌ریزی منطقه‌ای، از جمله مفهوم توسعه اجتماعی - اقتصادی برای منطقه، طرح برنامه‌ریزی فضایی - مکانی و

سایر برنامه‌های توسعه‌ای شهرداری و همچنین سیستم مدیریتی منطقه مورد ارزیابی قرار گرفتند. از طریق این اسناد، پروژه‌های توسعه‌ای مختلف مرتبط با جامعه‌های تأثیرپذیرنده از پروژه و مرکز اداره و سیستم مدیریتی منطقه (محل) کینگیسپ^۱ شناسایی شد. پروژه‌های در نظر گرفته شده در کینگیسپ به تسهیلات مورد استفاده در کل منطقه، از جمله مراقبت‌های بهداشتی، ورزش و فعالیت‌های فرهنگی مربوط می‌شود. در ضمن تجزیه و تحلیل طرح جامع کوزمکینسکو و سایر اسناد برنامه‌ریزی نیز به عنوان بخشی از فرایند اتمام انجام شد. با این حال در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی، تجزیه و تحلیل بسیار دقیق‌تری در ارتباط با اینکه پروژه باید چگونه به اجرا در آید تار فاه جامعه را افزایش دهد، انجام شد.

ارزیابی نقاط قوت، نیازها و فرصت‌های توسعه جامعه محلی

گام بعدی فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی نورد استریم ۲، ارزیابی نقاط قوت، نیازها و فرصت‌های توسعه‌ای جامعه بود. همان‌طور که پیشتر توضیح داده شد، فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت شامل یک پژوهش نظرسنجی اجتماعی و اقتصادی جداگانه نبود، اما از ارزیابی تأثیر اجتماعی استفاده کرده بود. مطالب ارزیابی تأثیر اجتماعی برای پروژه نورد استریم ۲، مطابق با چارچوب IFC که در وهله نخست بر تأثیرات متمرکز است، رویکرد جامعی برای «رفاه جامعه» (که برای فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی ضروری است) ارائه نمی‌دهد. بنابراین رویکردی مناسب‌تر برای اهداف سرمایه‌گذاری اجتماعی اتخاذ شد، البته با اقتباسی از چارچوب اجتماعی پروژه‌ها (Smyth & Vanclay, 2017).

به جز دسته‌بندی‌های «محیط زیست» و «منابع طبیعی» (زیرا موضوع برنامه شرکت دیگری بودند)، شش بعد دیگر چارچوب اجتماعی در جریان فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی توضیح داده شد (جدول ۱ را ببینید). هر بعد با استفاده از نتایج نظرسنجی اولیه اجتماعی انا شرح داده شد. این کار با اطلاعات مربوط به تأثیرات احتمالی پروژه و اقدامات کاهش‌دهنده آن، اطلاعات درباره نیازهای جامعه که مربوط به بخش گردآوری داده برای فرایند ارزیابی تأثیر اجتماعی است، همچنین ضمن جلسات حضوری با ذی‌نفعان و نیز مشاهده عینی منطقه تعیین شده برای پروژه، تکمیل شد. بخش عمده‌ای از اطلاعات، از مواد ارزیابی تأثیرات اجتماعی اخذ شد. با این حال آنها به گونه‌ای بازسازی شدند که برای اهداف سرمایه‌گذاری اجتماعی، بیشتر مناسب باشد. اطلاعات با شرح پروژه‌های توسعه‌ای خاص مربوط به هر بعد از رفاه جامعه، تکمیل

شد. این امر به شناسایی فرصت‌های بالقوه برای سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت به صورت آزمایشی منجر شد. این فرصت‌ها، آزمایشی بودند، زیرا نیازهای جامعه، مناطق توسعه‌پذیر و پروژه‌های توسعه‌ای خاص باید توسط خود جوامع شکل بگیرند. به طور خلاصه باید گفت که ابعاد مهمی مانند «ارزیابی نقاط قوت جامعه، نیازها و فرصت‌های توسعه» تحت فرایند ارزیابی تأثیرات اجتماعی قرار نگرفته‌اند.

جدول ۱- جدول ارزیابی / تجزیه و تحلیل برای توسعه جامعه

تأثیر اجتماعی بالقوه				فرصت‌های بالقوه برای توسعه جامعه محلی
زمینه موجود	اقدامات کاهشی	نیازهای جامعه	پروژه‌های توسعه‌ای طراحی شده	
قابلیت و توانمندی مردم				

مشارکت ذی‌نفعان

تجزیه و تحلیل اولیه نیازهای جامعه و فرصت‌های توسعه که در واقع گام بعدی فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی را پشتیبانی می‌کند، با فعالیت‌های پشت میزی انجام شد، شناسایی نیازهای جامعه و فرصت‌های توسعه را که توسط ساکنان جوامع تحت تأثیر و ذی‌نفعان محلی تعیین شده است (یعنی ارزیابی نیازهای جامعه). نبود این مرحله، موجب تضعیف ماهیت مشارکتی فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی شده، آن را «از بالا به پایین» و «متخصص محور» می‌سازد. فرایند توسعه‌ای را که توسط یک شرکت و بدون مشارکت معنادار جامعه آغاز شود، شاید بتوان فعالیت‌های بشردوستانه^(۹)، مسئولیت اجتماعی شرکت یا حمایت مالی به حساب آورد، اما نه «سرمایه‌گذاری اجتماعی».

قرار بر این بود که فرایند ارزیابی تأثیرات اجتماعی، اطلاعات لازم درباره برنامه‌ریزی فعالیت‌های مشارکتی ذی‌نفعان اصلی در پروسه سرمایه‌گذاری اجتماعی را فراهم آورد؛ ذی‌نفعانی که از پیش شناسایی شده و تماس‌های اولیه با آنها برقرار شده بود. هرچند به دلایل مختلف در عمل این کار به عنوان بخشی از فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی اولیه انجام نشد و در عوض، مشاور ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای پروژه نورد استریم ۲ پیشنهاد کرد که مجموعه‌ای از گروه‌های متمرکز برای ارزیابی نیازهای جامعه تشکیل شود. این روش به این دلیل انتخاب شد که امکان خوبی را برای گردآوری اطلاعات کیفی معنی‌دار درباره نیازهای جامعه و فرصت‌های توسعه‌ای به طور مستقیم از ساکنان منطقه فراهم می‌آورد. علاوه بر این پیگیری بحث‌های

بعدی با ذی‌نفعان مورد نظر و نمایندگان جامعه به گونه‌ای در نظر گرفته شده بود که هر گونه مسئله یا پیشنهاد مطرح شده مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. شرکت‌کنندگان در هر کدام از این گروه‌های متمرکز قصد داشتند تا نقاط قوت و ظرفیت‌های اصلی و نیازهای جامعه خود و دلایل توجیه‌کننده این نیازها را مورد بحث و بررسی قرار دهند. شرکت‌کنندگان همچنین می‌توانستند در نظر داشته باشند که برای رفع این نیازها چه کاری می‌توان انجام داد. چارچوب پیشنهادی که ابعاد کلیدی رفاه جامعه را توصیف می‌کند، زمینه اصلی بحث‌ها بود. پس از بحث، ابعاد رفاه جامعه با توجه به روند توسعه پیش‌بینی شده می‌بایست اولویت‌بندی می‌شد.

به طور کلی موضوعی که معمولاً هنگام اجرای سرمایه‌گذاری اجتماعی و فرآیندهای آن مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان این دو را با هم ترکیب کرد؟ هر دو این فرآیندها، مشارکتی هستند و ترتیب دادن جلسات مشورتی جداگانه نیازمند تلاش قابل توجهی از سوی یک شرکت و همچنین تحمیل بار اضافه‌ای بر جامعه است. به طور بالقوه، مسائل مرتبط با نیازهای جامعه را می‌توان در جلسات مشورتی ارزیابی تأثیرات اجتماعی مورد بحث قرار داد؛ به‌ویژه اینکه اغلب این موارد در خلال مشورت‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی مطرح می‌شود. هر چند منطقی قوی برای ترکیب فرآیندها وجود دارد، از نظر ما انجام این کار دشوار خواهد بود.

مشاوره‌ها در فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی، یکی از اقدامات ویژه است که هدف از اجرای آن، کسب و ارائه اطلاعات مربوط به پروژه و هر دستیابی به نتیجه بهتر، استفاده از روش‌های چندگانه و مختلف بهترین گزینه است (Hartz-Karp & Pope, 2011). یکی از اهداف مشاوره‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی، شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای جوامع و شناسایی راه‌های بالقوه برای رفع این نیازها و استفاده از ظرفیت‌های محلی است. به همین دلیل است که گروه‌های متمرکز برای این نوع مشاوره مناسب هستند. آنها زمان معقولی را برای گردآوری اطلاعات کیفی معنی‌دار درباره جنبه‌های مختلف رفاه جامعه در اختیار می‌گذارند. گروه‌های متمرکز، فرصت شنیده شدن را در اختیار همه شرکت‌کنندگان می‌گذارند، نه صرفاً افرادی که بیان خوبی دارند و یا آنان که تجربه صحبت در جلسات عمومی را داشته‌اند. داشتن چندین گروه متمرکز، فرصت گردآوری اطلاعات از گروه‌های مختلف از جمله جوانان، افراد مسن و زنان (در شرایط خاص) را فراهم می‌آورد. صوری و حساب شده بودن مشورت‌ها در ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای اهدافی که برشمردیم، کاربردی نیست. از آنجا که شرکت در جلسات مشورتی ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای

همه افراد آزاد است، ممکن است جنبه نمایندگی افراد حاضر در جلسات زیر سؤال برود؛ زیرا این امکان وجود دارد که بخشی از جامعه در مقایسه با دیگر بخش‌ها، بیش از حد معرفی و مطرح شوند. هرچند در حالت ایده‌آل، مشاوره‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی باید همسو باشند، آنها دو فرایند متفاوت هستند.

شکل ۲- روش‌شناسی ارزیابی حوزه توسعه

گام ۱- جزئیات اهمیت سرمایه‌گذاری منطقه‌ای			
امکان‌پذیری اجتماعی-اقتصادی	سطح حمایت		
	پایین	متوسط	بالا
پایین	ناچیز	پایین	متوسط
متوسط	پایین	متوسط	بالا
بالا	متوسط	بالا	بیشین

گام ۲. جزئیات اولویت سرمایه‌گذاری حوزه			
اهمیت ارزیابی تأثیر	تطابق با اهداف تجاری پروژه نورد استریم ۲		
	پایین	متوسط	بالا
ناچیز	ناچیز	ناچیز	پایین
پایین	ناچیز	پایین	متوسط
متوسط	پایین	متوسط	متوسط
بالا	متوسط	بالا	بیشین
بیشین	بالا	بالا	بیشین

منبع: (Nord Stream 2, 2017b) چارچوب سرمایه‌گذاری اجتماعی - روسیه

هدف این روش، اجتناب از ذهنی‌گرایی در تعیین کانون حوزه‌های سرمایه‌گذاری و ساده‌سازی و شفاف‌سازی فرآیند بود. این فرآیند را می‌توان در جریان فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت و یا در طول اجرای پروژه مورد تجدیدنظر قرار داد و یا به‌روز کرد. شکل‌گیری و بسط این روش به‌طور ویژه برای فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت بود و به وسیله مفاد ارزیابی تأثیر اجتماعی پوشش داده نشده است.

طرح اجرا

نه‌تنها تعیین نیازهای جامعه و فرصت‌های توسعه‌ای به صورت مشارکتی مهم هستند، بلکه در این راستا باید برنامه‌ای مشارکتی برای اجرای فرایند سرمایه‌گذاری نیز تدوین نمود. به‌طور سنتی، دو رویکرد اصلی برای اجرای پروژه‌های

سرمایه گذاری وجود دارد: رویکرد پیش کنشی و واکنشی (Skinner & Mersham, 2008). رویکرد پیشگیرانه، برنامه بلندمدتی داشته، بر مشارکت، استفاده از منابع، افزایش ظرفیت و غیره تأکید دارد. در مقابل، رویکرد واکنشی در درجه اول با پاسخگویی به نیازهای فوری فعلی و انتظار برای پیشنهادها همراه است. پروژه نورد استریم ۲ از هر دو رویکرد برای فرایند سرمایه گذاری اجتماعی خود استفاده کرد. رویکرد پیشگیرانه به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده بود که از طریق یک توافق همکاری میان شرکت و دولت محلی (سیستم اداره کننده منطقه) اجرا شود. این توافق، جنبه‌های کلیدی همکاری بین شرکت و مقامات را تعیین می‌کند. قرار بود یک کارگروه شامل نمایندگان مقامات منطقه‌ای و محلی، کارشناسان حوزه‌های مختلف و نمایندگان شرکت تشکیل شود. این کارگروه، جلسات دوسالانه‌ای را برای تصمیم‌گیری درباره پروژه‌های توسعه اجتماعی که می‌بایست اجرا شود، برگزار می‌کند. ساکنان جوامع تحت تأثیر مستقیماً در این جلسات شرکت نخواهند کرد. آنها توسط مقاماتشان نمایندگی خواهند شد. با وجود این از آنجا که پروژه‌های توسعه‌ای باید تحت نفوذ پروژه و در مناطق اصلی سرمایه‌گذاری و با همکاری ساکنان جوامع تحت تأثیر تعیین شود، چنین روشی برای اهداف سرمایه‌گذاری اجتماعی معتبر و مناسب است. به عنوان بخشی از رویکرد واکنشی نسبت به سرمایه‌گذاری اجتماعی، شرکت مربوطه، برنامه حمایتی کوچکی را برای حمایت از فعالیت‌هایی که جوامع آسیب‌دیده یا ذی‌نفعان محلی آغاز کرده‌اند، اجرا می‌کند. صلاحیت طرح‌های پیشنهادی نوآورانه به وسیله معیارهایی بررسی می‌شود که تأثیر مفید و طولانی‌مدت بر جوامع و سایر موارد مرتبط را در نظر می‌گیرند. ابتکارات سرمایه‌گذاری باید بر جوامع آسیب‌دیده متمرکز شده، دقیقاً در همان حوزه‌های سرمایه‌گذاری باشد. کمیته‌ای برای مدیریت اجرای برنامه کمک‌های مالی کوچک تشکیل می‌شود. ساکنان محلی و ذی‌نفعان در برآورد و ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی مبتکرانه و نیز نظارت بر اجرای آنها مشارکت خواهند داشت. این ساکنان به کمک فهرست تهیه‌شده از ذی‌نفعان پروژه به عنوان بخشی از برنامه مشارکت ذی‌نفعان و و نیز بخشی از فرایند ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و اجتماعی انتخاب شدند. مدل اجرای پیشنهادی به طور خاص برای فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی ابداع شد و مواد ارزیابی تأثیرات اجتماعی که برای پروژه در نظر گرفته شده بود، در آن نبود و طبیعتاً از آن نشأت نمی‌گرفت. با این حال از برنامه مشارکت ذی‌نفعان در ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و اجتماعی به منظور مشارکت ساکنان محلی و ذی‌نفعان در اجرای فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی استفاده خواهد شد.

افزایش پتانسیل انا در جهت کمک به توسعه جامعه محلی

نخستین وظیفه در فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی که برای پروژه نورد استریم ۲ انجام شد، تهیه و ترسیم نیمرخ جامعه و نظرسنجی و پژوهش اجتماعی اولیه، همگی برای فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی بسیار مفید بود؛ زیرا درک درستی از شرایط منطقه و حوزه مربوط به پروژه ارائه کرده، بدین ترتیب دامنه فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی نیز تعیین شد. بر اساس نتایج ارزیابی تأثیرات اجتماعی، وقتی فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌تواند با تأثیرات پروژه مرتبط باشد، در نظر نگرفتن این پیوند و غفلت از آن ممکن است منجر به توزیع نامتناسب منافع و همچنین مخاطرات حاصل از یک پروژه شود.

نتایج فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای پروژه نورد استریم ۲، موجبات شکل‌گیری یک برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های مشارکتی ذی‌نفعان به عنوان بخشی از فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی را فراهم آورد. با این حال هنگام انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرآیندهای سرمایه‌گذاری اجتماعی برای یک پروژه، موضوع همسویی ارزیابی تأثیرات اجتماعی با چارچوب‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی مطرح می‌شود. چارچوب ارزیابی تأثیرات اجتماعی عمدتاً بر تأثیرات احتمالی پروژه تمرکز دارد، در حالی که چارچوب سرمایه‌گذاری اجتماعی به احصا و رسیدگی به تمامی جنبه‌های کلیدی رفاه جامعه متمایل است. این امر به متفاوت شدن چگونگی گردآوری و ساختار داده‌ها در خلال بررسی‌های اولیه اجتماعی برای دو فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی منجر می‌شود. برای اجرای هر دو فرایند در یک پروژه، یا به عبارتی برای یک «ارزیابی تأثیرات اجتماعی توسعه‌محور»، باید از ابتدا یک چارچوب همسو شده و متعادل را به کار برد.

یکی از گام‌های بزرگ و مهم در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی، تجزیه و تحلیل برنامه‌های توسعه‌ای موجود است که به طور معمول در فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی مدنظر قرار نمی‌گیرد. هرچند فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی، این اسناد برنامه‌ریزی را گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌کند، تمرکز آن بر تأثیرات پروژه است و تنها اهمیت مختصری به مسائل دیگر می‌دهد. در مقابل، فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی باید همه ابعاد کلیدی رفاه جامعه را با جزئیات کافی در نظر بگیرد. جنبه کلیدی دیگر در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی، ارزیابی نقاط قوت، نیازها و فرصت‌های جامعه است. البته این مورد خاص در فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی قرار نمی‌گیرد. ارزیابی مورد نظر، بخش متمایزی است که به عنوان یکی از بخش‌های خاص در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی باید با همکاری جوامع محلی انجام شود؛ هرچند

تأثیرات پروژه و اقدامات کاهش دهنده تأثیرات منفی که با ارزیابی تأثیرات اجتماعی تعیین شده است، باید در آن لحاظ شود.

با تصدیق اینکه هیچ راه حل فراگیری وجود ندارد، ما معتقدیم که فعالیت‌های مشارکتی ذی‌نفعان در ارزیابی تأثیرات اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی باید در یک راستا باشد، اما به طور جداگانه اجرا شود. ارزیابی تأثیر اجتماعی و مشارکت ذی‌نفعان سرمایه‌گذاری اجتماعی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. هدف از مشارکت ذی‌نفعان ارزیابی تأثیر اجتماعی، ارائه اطلاعات درباره یک پروژه و بحث و بررسی درباره تأثیرات پروژه و مسائل مربوط به آن است؛ یعنی روش‌های مرتبط برای تسهیل این بحث و بررسی‌ها. مشارکت ذی‌نفعان سرمایه‌گذاری اجتماعی نیز هدف شناسایی ظرفیت‌ها و نیازهای جامعه و شناسایی فرصت‌های بالقوه سرمایه‌گذاری را دنبال می‌کند که البته مستلزم به کار بردن روش‌های پژوهشی مناسب است. به عنوان مثال، روش گروه‌های متمرکز در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی برای ارزیابی مناطق مورد نظر توسعه، متفاوت از روش مورد استفاده در فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای ارزیابی تأثیرات یک پروژه است. اولویت‌های توسعه ممکن است بر اساس امکان‌پذیری اجتماعی - اقتصادی، سطح حمایت و همسویی با عملیات شرکت تعیین شود. این تعیین به طور خاص برای فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی انجام می‌شود و در اتا پوشش داده نمی‌شود، هرچند در آن نتایج ارزیابی تأثیرات اجتماعی نیز در نظر گرفته می‌شود. تنظیم یک برنامه اجرایی مناسب، بخش متمایزی از فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی است که به طور طبیعی از فرایند ارزیابی تأثیرات اجتماعی سرچشمه نمی‌گیرد. با این حال نتایج مشارکت ذی‌نفعان ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای مشارکت ساکنان محلی و ذی‌نفعان در فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی نیز مفید است.

نتیجه‌گیری

ارزیابی تأثیر اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت‌ها، مفاهیم به هم پیوسته‌ای هستند که در «ارزش‌های کلیدی» و «تعهد به ایجاد ظرفیت و توانمندسازی جامعه محلی» با هم اشتراک دارند. بنابراین یک فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی را می‌توان و باید به عنوان یک جزء طبیعی از فرآیند وسیع‌تر ارزیابی تأثیرات اجتماعی در نظر گرفت (Vanclay et al, 2015). فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌تواند از ارزیابی تأثیرات اجتماعی سود زیادی ببرد. به عنوان مثال، نظرسنجی اولیه و به دست آوردن ویژگی‌های جامعه می‌تواند برای فرآیند سرمایه‌گذاری نیز بسیار مفید باشد. در ضمن استفاده از نتایج

ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای تمرکز استراتژی سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت بر جوامعی که بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اهمیت خاصی دارد.

فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی همچنین ممکن است از نتایج فعالیت‌های مشارکتی ذی‌نفعان ارزیابی تأثیرات اجتماعی بهره‌برد. به عنوان مثال، شناسایی ذی‌نفعانی که می‌توانند در تعیین نیازهای جامعه و تدوین برنامه سرمایه‌گذاری اجتماعی مشارکتی کمک کنند. به‌رغم تمامی این مزایا، ظرفیت واقعی ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای سرمایه‌گذاری اجتماعی محدود است. فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی دارای اهداف، موضوع تمرکز، روش و نحوه اجرای متمایزی است که کاملاً از فرایند ارزیابی تأثیرات اجتماعی جداست. فرایند سرمایه‌گذاری اجتماعی همچنین نیاز به تجزیه و تحلیل گسترده‌تری از اسناد مرتبط با برنامه‌ریزی مورد نظر دارد. در برخی از موارد، ارزیابی تأثیرات اجتماعی ملزم است این فرصت را به جوامع بدهد تا یک پروژه خاص را متوقف کنند. البته این امر آشکارا خارج از محدوده سرمایه‌گذاری اجتماعی است.

برای اثربخشی بیشتر، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرآیندهای سرمایه‌گذاری اجتماعی باید همسو شوند. مطلوب‌تر این است که چهارچوبی وجود داشته باشد که ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرآیندهای سرمایه‌گذاری اجتماعی را چنان با یکدیگر ترکیب کند که از ابتدای فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی قابل اجرا باشد. چنین چهارچوبی باید شامل گردآوری داده‌های پایه به شیوه‌ای باشد که هم برای اهداف سرمایه‌گذاری اجتماعی و هم برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی مناسب باشد. باید یک رویکرد یکپارچه مشارکت ذی‌نفعان در جهت هماهنگ‌سازی افشای اطلاعات (ارائه آزادانه اطلاعات) و فعالیت‌های مشورتی جامعه به عنوان بخشی ضروری در هر دو فرآیند سرمایه‌گذاری اجتماعی و اتا، اتخاذ و اجرا شود. همسویی ارزیابی تأثیرات اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌تواند منجر به این شود که آنها به عنوان دو جنبه از یک فرایند برای توسعه در نظر گرفته شوند که طبیعتاً می‌تواند نتایج توسعه‌ای پروژه را افزایش دهد.

طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های ابتکاری سرمایه‌گذاری اجتماعی باید همراه با فرایند تأثیرات پروژه با جوامع مربوطه به بحث گذاشته شوند و بخشی از توافق توسعه اجتماعی در جامعه مورد نظر و یا بخشی از توافقی باشند که میان حامی پروژه از یکسو و جوامع محلی از سوی دیگر برقرار می‌شود؛ یعنی توافق بر سر تأثیرات و مزایای پروژه. بحث درباره اینکه آیا این ارزیابی تأثیرات اجتماعی است که باید با سرمایه‌گذاری اجتماعی هماهنگ شود یا برعکس، بی‌معنی است؛ زیرا ارزیابی تأثیرات اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی به عنوان مفاهیم و شیوه‌هایی متمایز بسط یافته‌اند. با وجود این ارزیابی تأثیرات

اجتماعی در بسیاری از حوزه‌های قضایی یک الزام است و بخش مهمی از تأمین مالی مورد نیاز پروژه در مؤسسات مالی بین‌المللی است، در حالی که سرمایه‌گذاری اجتماعی کمتر در مقررات و قوانین مطرح شده و معمولاً به عنوان یک عمل داوطلبانه در نظر گرفته می‌شود. بنابراین گفتمان و اجرای اتا باید به گونه‌ای تعدیل شود که در برگیرنده اهداف سرمایه‌گذاری اجتماعی بوده، در عین حال موجب تحقق پتانسیل‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای کمک به توسعه اجتماعی و توانمندسازی جامعه نیز باشد.

چنین همسویی‌ای، منافع حامیان پروژه، جوامع محلی و مؤسسات مالی بین‌المللی (IFI) را تأمین می‌کند. یک چارچوب هم‌راستا می‌تواند برای حامیان پروژه از این حیث مفید باشد که از طریق توجیه جوامع محلی درباره منافع پروژه در کنار مزاحمت‌های آن، به کسب مجوز اجتماعی اجرای پروژه کمک کند. همچنین با اجتناب از تکرار برخی از اقدامات، هزینه‌ها و اتلاف انرژی در فرآیند گردآوری داده‌ها و مشارکت ذی‌نفعان نیز کاهش می‌یابد.

از دیدگاه جامعه نیز ترکیب این رویکردها مهم است. مزایای اجتماعی پروژه‌ها ممکن است برای جوامع تحت تأثیر مشهود نباشد. فرصت‌های شغلی پروژه ممکن است محدود باشد و درآمدهای مالیاتی می‌تواند درون روال‌های متمرکز بروکراتیک ملی پنهان شده، در سطح محلی قابل استفاده نباشد. ساکنان محلی همیشه تأثیرات نامطلوب یک پروژه را تجربه می‌کنند، حتی زمانی که اقدامات کاهش‌دهنده برای آنها به اجرا درمی‌آید. به طور بالقوه، حامیان پروژه می‌توانند فعالیت‌های مربوط به استراتژی مسئولیت اجتماعی شرکت را برای افزایش منافع محلی انجام دهند. اما در صورتی که پیوند آنها با روال معمول ارزیابی تأثیرات اجتماعی قطع شود، همیشه این نگرانی وجود دارد که آیا واقعاً این فعالیت‌ها اجرا می‌شود یا خیر؟ آیا آنها روی افرادی که بیشتر از پروژه تأثیر می‌پذیرند، تمرکز می‌کنند؟ و اینکه آیا این فعالیت‌ها واقعاً نیازهای جوامع محلی را برآورده می‌کنند؟

اتا برخی اقدامات ثابت است که مؤسسات مالی بین‌المللی (IFIs)^(۱۰) به عنوان بخشی از تأمین مالی پروژه اعمال می‌کنند. اما سرمایه‌گذاری اجتماعی لزوماً ضروری نیست. با توجه به اینکه هدف اولیه بسیاری از مؤسسات مالی بین‌المللی، مشارکت در توسعه (کاهش فقر، افزایش رفاه) و اهداف توسعه پایدار در مناطق عملیاتی‌شان است، بهبود خروجی‌ها و منافع توسعه‌ای پروژه‌هایی که تأمین مالی آنها را انجام می‌دهند، به نفع آنهاست. بنابراین افزایش ظرفیت ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای مشارکت در توسعه جامعه محلی و هماهنگی اتا با سرمایه‌گذاری اجتماعی، بسیار مطلوب است.

اتا و سرمایه‌گذاری اجتماعی دارای مزایای مستقیم و غیر مستقیم است. الزامات بین‌المللی برای اجرای این فرایندها، پای استانداردهای بین‌المللی را به کشورهایی می‌کشاند که الزامات قانونی ملی در آنها اغلب توسعه نیافته است. وجود پروژه‌های بزرگ (مانند نورد استریم ۲) که باید الزامات بین‌المللی را رعایت کنند (به عنوان مثال برای دستیابی به تأمین مالی پروژه)، کمبودهای مرتبط با الزامات داخلی را آشکارتر می‌سازد. با وجود این موجب ظرفیت‌سازی برای کارکنان خود می‌شود. این گونه از پروژه‌ها همچنین فرهنگ حاکمیت (به عنوان مثال: شفافیت و پاسخگویی) و اثربخشی فضای نهادی پروژه را ارتقا می‌دهند. از آنجا که سرمایه‌گذاری اجتماعی ذاتاً مشارکتی است، مشارکت در اجرای شیوه‌های مؤثر سرمایه‌گذاری اجتماعی به ظرفیت‌سازی همه طرف‌ها و در عین حال توسعه جامعه محلی کمک می‌کند. به طور بالقوه، مؤسسات مالی و سایر آژانس‌های توسعه و جامعه حرفه‌ای بزرگ‌تر باید همسویی داشته باشند که محرک ااتا و سرمایه‌گذاری اجتماعی باشد و در ضمن تقویت تعهد خود به هر دوی آنها را نیز در نظر داشته باشند.

سرمایه‌گذاری اجتماعی، فرایندی پیچیده است که مشکلات پیش‌بینی نشده زیادی به همراه دارد. از جمله اینکه یک شرکت نباید مسئولیت‌های دولت را غصب کند یا جوامع محلی را به پروژه وابسته کند. همچنین مهم است که فرایندهای سرمایه‌گذاری اجتماعی قابل کنترل باشند و به جامعه وعده‌هایی داده نشود که شرکت قادر به انجام آنها نیست. ما معتقدیم که ترغیب برای پروژه سرمایه‌گذاری اجتماعی و جرح و تعدیل مناسب رویه‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی می‌تواند سهم بسزایی در افزایش نتایج اجرا و گسترش پروژه داشته باشد.

منابع

1. Arce A. (2003). Value contestations in development interventions: community development and sustainable livelihoods approaches. *Community Dev J.* 38:199–212.
2. Aucamp I, Lombard A. (2018). Can social impact assessment contribute to social development outcomes in an emerging economy? *Impact Assess Project Appraisal.* 36(2):173–185.
3. Brocklesby MA, Fisher E. (2003). Community Development in Sustainable Livelihoods Approaches. *Community Dev J.* 38(3):185–198.
4. Carney D. (2002). *Sustainable Livelihoods Approaches: progress and Possibilities for Change.* London: Department for International Development. [accessed 2020 Feb 20]. <https://pdfs.semanticscholar.org/3e77/ad6da25b647439ea95c210cfc27dc3da56a2.pdf>.
5. Cavaye J, Ross H. (2019). Community resilience and community development: what mutual opportunities arise from interactions between the two concepts? *Community Dev.* 50(2):181–200.
6. Cernea M. (1997). The Risks and Reconstruction Model for resettling displaced populations. *World Dev.* 25 (10):1569–1587.
7. Dare M, Schirmer J, Vanclay F. (2014) Community Engagement and Social License to Operate. *Impact Assess Project Appraisal.* 32(3):188–197.
8. Dupuy K. (2014). Community development requirements in mining laws. *Extr Ind Soc.* 1(2):200–215.
9. EBRD. (2014). *Environmental and Social Policy.* London (UK): European Bank for Reconstruction and Development. [accessed 2020 Feb 20]. <http://www.ebrd.com/news/publications/policies/environmental-and-social-policy-esp.html>.
10. Ejdemo T, Söderholm P. (2015). Wind power, regional development and benefit sharing: the case of Northern Sweden. *Renewable Sustainable Energy Rev.* 47:476–485.
11. Esteves AM. (2008). Evaluating community investments in the mining sector using multi-criteria decision analysis to integrate SIA with business planning. *Environ Impact Assess Rev.* 28(4–5):338–348.
12. Esteves AM, Barclay M. (2011). Enhancing the benefits of local content: integrating social and economic impact assessment into procurement strategies. *Impact Assess Project Appraisal.* 29(3):205–215.
13. Esteves AM, Factor G, Vanclay F, Götzmann N, Moreira S. (2017). Adapting social impact assessment to address a project's human rights impacts and risks. *Environ Impact Assess Rev.* 67:73–87.
14. Esteves AM, Franks DM, Vanclay F. (2012). Social Impact Assessment: the State of Art. *Impact Assess Project Appraisal.* 30(1):34–42.
15. Esteves AM, Ogorodnikova V, Dietsche E. (2016). *IPIECA Local Content: A Guidance Note.* 2nd ed. London: IPIECA. [accessed 2020 Feb 20]. <http://www.ipieca.org/resources/good-practice/local-content-a-guidance-document-for-the-oil-and-gas-industry-2nd-edition/>.
16. Esteves AM, Vanclay F. (2009). Social Development Needs Analysis as a Tool for SIA to Guide Corporate-Community Investment: applications in the Minerals Industry. *Environ Impact Assess Rev.* 29:137–145.

پی‌نوشت‌های مترجم

۱. SIA: social impact assessment (ارزیابی تأثیرات اجتماعی)
۲. ESIA: Environmental and social impact assessment (ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و اجتماعی)
۳. CSR: Corporate Social Responsibility (مسئولیت اجتماعی شرکت)
۴. EIA: assessment environmental impact (ارزیابی اثرات محیطی)
۵. IFC: International Finance (شرکت مالی بین‌المللی)
۶. اصول استوایی (EPS)، یکی از چارچوب‌های مدیریت ریسک است که مؤسسات مالی برای تعیین، ارزیابی و مدیریت ریسک‌های محیط‌زیستی و اجتماعی در پروژه‌ها مدون کرده‌اند و در درجه اول، هدف از آن ارائه حداقل استاندارد برای دقت و نظارت لازم در جهت حمایت از تصمیم‌گیری‌های مخاطره‌آمیز مسئولانه بوده است.
۷. SLA: Sustainable Livelihoods Approach (رویکرد معیشت پایدار)
۸. ABCD: Asset Based Community Development (توسعه جامعه مبتنی بر دارایی)
۹. توسعه جامعه مبتنی بر دارایی، استراتژی‌ای برای توسعه پایدار جامعه است. ABCD فراتر از بسیج یک جامعه خاص، به نحوه پیوند دادن دارایی‌های خرد به محیط کلان توجه دارد. جذابیت ABCD در این فرض است که جوامع می‌توانند با شناسایی و بسیج دارایی‌های موجود، اما اغلب ناشناخته و در نتیجه پاسخگویی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی محلی، خودشان روند توسعه را پیش ببرند.
۱۰. IFIs: financial institutions Internationa (مؤسسات مالی بین‌المللی)

